**انترناسیونال ۶۸۲**

**عزاداری حکومتی**

**سیامک بهاری**

تلاش ویژه جمهوری اسلامی برای برگزاری گسترده مراسم‌ عزاداری محرم به نحو بارزی مشخص می‌کند این مراسم اساسا یک پروژه حکومتی است. بسیج نیرو و شبکه بزرگی از عوامل و عناصر جمهوری اسلامی با تخصیص بودجه‌‌‌های هنگفت چند هزار میلیاردی توسط سازمان تبلیغات اسلامی و سایر دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی، دستورالعمل‌‌های حکومتی به تمام ادارات و مؤسسات و ارگانهای دولتی، دخالت مستقیم دستگاههای امنیتی و اعمال قدرت آنها، بکارگیری بسیج مساجد، دستجات هیئت‌های مذهبی محلات و مدّاحان، که اساسا از عناصر امنیتی و اطلاعاتی حکومتی تشکیل شده‌اند، تا مدارس و دانشگاهها و کانونهای هنری دست‌ساز حکومت گرفته تا بکارگیری دانش‌آموزان مدارس و حتی کودکان شیرخوار تحت عنوان "سه سالگان حسینی" و "شیر خواران حسینی" در این نمایش‌ حکومتی، در داخل و خارج کشور شرکت داده شده‌اند.

ده‌ها نهاد و سازمان، از قبل مأمور اجرای این سناریو شده‌اند تا اهداف تعیین شده‌ای را در راستای سیاستهای تعیین شده و نیازهای تبلیغی جمهوری اسلامی تأمین کنند. این نمایش مذهبی در حقیقت بخشی از اعمال حضور حکومت و فضا سازی برای دوره معینی است که جمهوری اسلامی در آن گیر افتاده است.

به هر درجه مذهب، قدرت بسیج توده‌ای خود را از دست می‌دهد، و مردم بویژه جوانان راه خود را از آن جدا و روش زندگی خود را غیر مذهبی و مدرن می‌کنند. دخالت مستقیم و کارگردانی جمهوری اسلامی برای اجرای اینگونه مراسم بیشتر و پر رنگ‌تر می‌شود.

صفی از لمپن‌ها و اراذل، قمه کشان و چاقو کشان حرفه‌ای توسط و تحت نظارت مستقیم "بیت رهبری" در هیئت‌‌های مداحی و سینه زنی و قمه زنی، با هزینه‌‌های نجومی مأمور تبلیغات و ایجاد فضای تخدیر مذهبی می‌‌شوند. افشای چک‌‌‌های بانکی میلیونی در وجه مدّاحان فقط بخش ناچیزی از کل پروژه وسیعی است که جمهوری اسلامی اکیداً به ‌آن نیازمند است.

جمهوری اسلامی با روی‌گردانی وسیع جوانان و بخش وسیعی از جامعه روبروست. مردم عامل فقر و تباهی روزافزون جامعه را بخوبی می‌شناسند، از مذهب و قوانین مذهبی روی‌گردانند. از جمهوری اسلامی متنفّرند! میلیونها جوان بیکار و بی تأمین، آزادی، رفاه و سعادت را حق مسلم خود می‌دانند و از آن محرومند، مانند انبار باروت در ابعاد سراسری آماده انفجارند. بخش عظیمی از جامعه در فقر و فلاکت تحمیلی حکومت اسلامی غوطه می‌خورد و به دنبال کنار زدن جمهوری اسلامی از سر راه خود برای یک زندگی بهتر است.

جمهوری اسلامی در رقابتی بی‌انتها، بخرج سفره تهی مردم درگیر ماجراجویی در منازعات و جنگهای منطقه است. برگزاری هدفمند مراسم عزاداری مستقیما به توجیهات این دخالت‌گری در جنایات و آتش‌افروزی‌‌های منطقه‌ای توسط جمهوری اسلامی گره می‌خورد.

**اقتصاد عزاداری**

تأمین هزینه نجومی نمایش‌ها و مراسم عزاداری و تهیه ادوات و آلات مورد نیاز، از ادوات موسیقی که در شرایط عادی ممنوع و قاچاق محسوب‌ می‌شود و برای اجرای پر سر و صدای مذهبی مجاز اعلام شده است، تا نذری‌پزی هیئت‌‌های عزاداری که همگی زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی اداره می‌شوند با ارز و هزینه دولتی و در دست رانت‌خواران خودی، امکان پذیر می‌گردد.

روزنامه آرمان در این باره می‌نویسد که: ۷۰ تا ۸۰ درصد بازار پارچه مشکی برای این مراسم، از شرق آسیا، ژاپن، کره جنوبی و چین تأمین می‌شود. این واردات با چنین حجم عظیمی با اجازه اتاق بازرگانی و مجوز و حواله دولتی میسر است.

ایسنا نوشته است: "گردش مالی مراسم مربوط به بازار محرم و عزاداری به بیش از ۲هزارمیلیارد تومان بالغ شده است. در همین بازه زمانی، قیمت برنج، گوشت و لپّه، بین ۳۰ تا ۴۰درصد گرانتر شده است.

میزان واردات برنج به ۹۱ هزار تن، روغن ۴۲هزار تن و۲۳ هزار تن حبوبات به ارزش مالی ۱۶۰ میلیارد تومان رسیده است. هزینه "نذری" در ده روز اول محرم دو برابر "بودجه ی بهزیستی" در یک سال است. طی مدت کوتاهی مراسم نذری پزی سه برابر افزایش یافته است.

این چنین بازاری با چنین گردش مالی در بحبوحه رکود تورمی کمرشکن اقتصادی به سادگی نشان می‌هد که چگونه دست عناصر حکومتی برای اجرای نمایش‌‌های مذهبی حکومتی باز گذاشته شده است.

به این ارقام که هنوز بخش ناچیزی از بارِ اقتصادی این مراسم را نشان ‌می‌دهد باید مخارج آخوندها، مدّاحان، روضه خوانان، هیئت‌‌ها و دستجات مذهبی و خیل لاشخورها و لمپن‌ها و اراذل و اوباشی که اساسا نیروی اصلی و پای ثابت و صحنه‌گردان این مراسم هستند را نیز افزود.

مخارج اجرای مراسم محرم در خارج از کشور توسط دستجات مذهبی اجیر شده سفارتخانه‌ها و وزارت امورخارجه را نیز بخش دیگری از این مجموعه است.

**فرهنگ عزاداری**

تزریق مداوم سوگ، ماتم، اندوه، ناله و زاری، تلاش برای سوگوار نگاهداشتن و تخدیر روانی جامعه بخش مهم و قابل ملاحظه‌‌ای از سیاست اجتماعی جمهوری اسلامی است. این فضا سازی درعین حال بخش عمده و اساسی کارکرد "سازمان تبلیغات اسلامی" به‌ عنوان بازوی اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی برای ایجاد احساس گناه و بندگی و فرهنگ اطاعت محض، جا انداختن احادیث و روایات مورد نیاز جمهوری اسلامی، علیه منافع و خواستهای جامعه است. تعیین خطوط تبلیغی و راهبردی برای حقنه کردن فرهنگ اسلامی و جا انداختن اعمال حاکمیت از مجرای فضای تخدیر شده و ایجاد هیجانات روانی مذهبی است.

یکی از اهداف مهم روانی ایجاد جامعه عزادار، تلقین حس در خودماندگی و عدم تحرک سیاسی و اجتماعی و منحرف کردن مسیر خواستها و انتظارات بحق جامعه است. جمهوری اسلامی در آرزوی محال جامعه‌ای است که خود را برده عقاید حاکمیت ببیند! به جای اعتراض و در هم ریختن بنیادهای ستم و بی حقوقی به ذکر مصیبت و بر سر و روی خود کوبیدن رضایت بدهد و خود را با مجیزگویی مخلصانه و یا رجزخوانی جاهلانه مشغول ‌کند.

به بیانی،آنگونه که مارکس می‌گوید: "دین، آه انسان سرکوب شده، قلب دنیای بی‌قلب، و روح شرایط بی روح است. دین افیون مردم است".

دشمن‌سازی و رقابت‌‌های سیاسی یک وجه دیگر این مراسم و مناسک مذهبی است. جمهوری اسلامی درگیر ماجراجویی، رقابت‌‌ و دخالت‌‌های مستقیم سیاسی و نظامی در منازعات منطقه‌ای است. دستگاه تبلیغی برای موجه جلوه ‌دادن شرکت در این آدمکشی و تأمین پشت جبهه این منازعات و سربازگیری برای ادامه دادن سیاست جنگی به چنین فضای تخدیر شده مذهبی شدیداً نیازمند است.

یکی از پارچه نوشته‌‌های حکومتی، بخوبی سیاست موازی با برگزاری پر طمطراق مراسم عزاداری امسال، در رابطه با جنگ در باتلاق سوریه را بخوبی نمایان می‌کند: "ای که از غصه زینب به سرت زخم زنی، حَرَمش در خطر است! کو قمه‌ات؟! بسمه‌الله". تبلیغ داعش‌گونه قمه کشی و سر بریدن و خونریزی اسلامی بخوبی در این تبلیغات مسموم مشهود است.

جنگ در سوریه، عراق و یمن و رقابت با عربستان سعودی در جنگ نیابتی، تا عدم حضور در مناسک حج، بخش دیگری از این هیاهوی تبلیغاتی به سبک جمهوری اسلام است.

به هر درجه که مطالبات اجتماعی پیشرو، اعتراض علیه قوانین اسلامی تحمیل شده به جامعه رشد می‌کند، دستگاه تبلیغی جمهوری اسلامی برای حفظ نظام و خنثی و منحرف کردن مسیر اعتراضات، ناچار است به درجات بیشتری به فضای ایجاد اندوه و سوگ روی بیاورد. جعل رویدادهای تاریخی، داستان سرایی‌های مذهبی و انواع مراسم و نمایش‌‌ها، تماما در خدمت این سیاست بکار گرفته می‌شود. انبوهی از مبلغین و مدّاحان، اوباش و لمپن‌های نظامی - امنیتی و مجریان سیاسی – تبلیغی در خدمت همین اهداف هستند. و برای اقشار مختلف مردم و مخاطبین خود، با ظرافت دسته‌بندی شده‌اند. از بازار تا دانشگاه، از شهرهای بزرگ تا روستاهای دورافتاده، از لمپنیسم رایج مذهبی مدّاحان، تا روشنفکر نمایان دانشگاهی، معمم و مکلا، همه جا، مبلغین مذهبی در اشکال متنوع با امکانات ویژه اعمال نفوذ حکومتی، برای تأمین حاکمیت نظام، به‌ خدمت گرفته‌ شده‌اند.

اما یک وجه دیگر، فرهنگ عزاداری، وحشت بی ‌پایان حکومت از پس زدن قوانین و فرهنگ اسلامی توسط بخش وسیعی از جامعه بویژه زنان و جوانان است که خود را در دوقطبی درگیری و جدال مداوم فرهنگ چپ و سکولار برای خلاصی فرهنگی از جاهلیت و تحمیق اسلامی نشان می‌دهد.

جامعه‌ با پس زدن حجاب و پوشش اسلامی، سرپیچی از قوانین مذهبی و آپارتاید جنسی تحمیلی، انتخاب روش‌های مدرن امروزی برای زندگی مشترک و روابط آزاد و انسانی، بهم زدن شیوه‌ و سبک اسلامی در مناسبات و روابط اجتماعی، از خیابان تا محل کار و دانشگاه و مدرسه، داد حکومت را در آورده است! بخش عظیمی از مردم بویژه زنان و جوانان راه خود را بکلی، علنی و آشکار از مناسبات اسلامی جدا کرده‌‌اند. مذهب دست مایه‌ٔ طنز و جوک و خنده مردم است و فریاد "وا اسلاما"ی حکومت از هر منبر و مسجدی بلند است! تبدیل مراسم مذهبی به پاتوقی برای ملاقات و "حسین پارتی" و امثالهم به روشنی نشان می‌دهد که مردم بیشتر از پیش، دست جمهوری اسلامی را از زندگی‌شان کوتاه می‌کنند. در هر بزنگاهی مردم هر مراسمی را به هر بهانه‌ای بدل به کارناوال شادی می‌کنند.

وحشت جمهوری اسلامی از مسابقه فوتبال و تجمع مردم در استادیوم و کابوس شادی مردم در صورت برنده شدن تیم ملی فوتبال کل ارکان حکومتی را به لرزه انداخت. تبدیل استادیوم به تکیه عزاداری و بسیج دستجات سینه زنی و تهیه باندرولهای چند صدمتری بخوبی نشان می‌داد که جمهوری اسلامی چگونه نگران برباد رفتن نقشه‌‌های سیاسی خود در روزهایی است که قرار است عزاداری و اندوه را در ابعاد وسیعی بر مردم تحمیل کند.

لغو کنسرت‌ها یک نمونه روشن دیگر است. عطش و استقبال مردم و بویژه جوانان برای شرکت در کنسرت‌ها، علیرغم همه محدودیت‌ها وموانع ایحاد شده و بدون هیچ امر و دستور دولتی، یک بخش دیگر از شکست حاکمیت در همراه کردن مردم با سیاستهای اسلامی و عقب‌مانده است.

جمهوری اسلامی بارها و بارها، آشکارا به شکست و ناکامی خود در به عقب زدن مردم و تحمیل قوانین و رسوم اسلامی اذعان و اعتراف کرده است. علیرغم سر و صدا و هیاهوی جمهوری اسلامی و پر رنگ و لعاب کردن مراسم عزاداری، انزوای حکومتی و شکست در همراه کردن مردم با سیاستهای حکومتی را به روشنی نشان می‌دهد.

جمهوری اسلامی با برپایی مراسم دولتی و حکومتی بیش ار هر وقت دیگر شکنندگی و ضعف خود را در همهمه طبل و سنج و ضجه‌های عزاداری آشکار می‌کند!

جمهوری اسلامی با حقیقت مردم و جوانان در"عاشورای" سال ۱۳۸۸ بخوبی آشناست! هم توان مردم، هم قدرت اعتراض و هم جسارت جوانان را تجربه کرده است! جسارت و اعتراضی که پنهان کردنی نیست! وخواب را بر جمهوری اسلامی حرام کرده‌ است!